

بِسْمِ اللّٰهِ

الرّحمن الرّحيم



دانشگاه علامه طباطبائی

دانشکده حقوق و علوم سیاسی

پایان نامه دوره کارشناسی ارشد در رشته روابط بین الملل

عنوان:

تاثیر تحولات (۲۰۱۱) خاورمیانه و شمال آفریقا بر توسعه سیاسی مصر

استاد راهنما:

دکتر: علی آدمی

استاد مشاور:

دکتر: مجید عباسی

استاد داور:

دکتر: اصغر جعفری ولدانی

نام دانشجو:

رامین بخشی تلیابی

مهر ماه ۱۳۹۲

تقدیم به:

همه آنانی که در راه حقیقت گام بر می دارند.

## سپاسگزاری

از تمامی استادان، خانواده و دوستانی که در به اتمام رسانیدن این پایان نامه مشوق، همراه و یاور من بوده اند، تشکر می نمایم.

## چکیده:

خیزش ها و تحولات در منطقه خاورمیانه عربی و شمال آفریقا، از ژانویه ۲۰۱۱ که با اعتراضات تونس آغاز شد، موجی از درخواست ها و مطالبات سیاسی، اقتصادی و اجتماعی اقشار مختلف مردم را در بر گرفت و سپس به سایر کشورهای منطقه خاورمیانه و شمال آفریقا از جمله مصر، لیبی، یمن و بحرین سرایت نمود. قیام مردمی در کشور تونس و سقوط رژیم بن علی بسیار سریع به کشور مصر سرایت کرد و به سقوط رژیم حسنی مبارک پس از سه دهه حکومت منجر گردید. مهمترین عامل در این خیزشها، عنصر حضور مردم از طبقات مختلف جامعه بود که نقش تعیین کننده ایفا نموده و می نماید. مصر به عنوان پر جمعیت ترین کشور عربی از چند دهه گذشته جزو تاثیر گذارترین بازیگران در خاورمیانه محسوب می شود. همواره تحولات سیاسی - فکری این کشور تاثیر عمیقی بر سایر کشورهای خاورمیانه داشته است. انقلاب مصر و موج اعتراضات در این کشور با فراخوان تجمع در روز ۲۵ ژانویه در فیس بوک و تحت عنوان «روز خشم» آغاز شد. حجم و گستره تظاهرات در طول دوره مبارک بی سابقه بود و به تدریج بر دامنه و شدت آن افزوده شد. مهم ترین درخواستهای معترضین و گروههای سیاسی مخالف مصر شامل کنار رفتن حسنی مبارک از قدرت، اصلاح قانون اساسی و برگزاری انتخابات آزاد و دموکراتیک، فضای باز سیاسی و آزادی بیان و اصلاحات اقتصادی بود. و در نهایت بعد از ۱۸ روز مقاومت مردمی در مصر، با استعفای حسنی مبارک در روز ۲۵ ژانویه ۲۰۱۱ سرانجام انجامید. این تحولات که موسوم به بهار عربی شد در مصر منجر به تغییر اساسی، تحقق مطالبات مردم و افزایش مشارکت سیاسی مردم شد. در مورد تاثیر این تحولات بر توسعه سیاسی مصر، بحث های زیادی و عوامل مختلفی مطرح شده است. در همین زمینه این تحقیق به این نتیجه رسیده است که این تحولات باعث افزایش مشارکت سیاسی، اصلاح ساختار سیاسی مبتنی بر دموکراسی و رشد مولفه های دموکراسی در مصر شده است.

کلمات کلیدی: تحولات، خاورمیانه و شمال آفریقا، مصر، انقلاب، دموکراسی خواهی، مشارکت سیاسی.

## فهرست مطالب

صفحه	عنوان
۱	۱- فصل اول کلیات: .....
۱-۲	۱-۱- بیان مسئله : .....
۳	۲-۱- سوال تحقیق:.....
۳	۳-۱ - فرضیه اصلی: .....
۳	۴-۱- فرضیه رقیب: .....
۳- ۴	۵-۱ - تعریف مفاهیم: .....
۵- ۶	۶-۱- ادبیات موجود: .....
۷	۷-۱- روش تحقیق و گردآوری: .....
۷	۸-۱-۱- حدود پژوهش: .....
۷	۹-۱ - اهمیت تحقیق: .....
۸	۱۰-۱- محدودیت تحقیق: .....
۸	۱۱-۱ - اهداف تحقیق: .....
۸	۱۲-۱- سازمان دهی تحقیق: .....
۱۰	۲- فصل دوم چهارچوب نظری: .....
۱۰	۱-۲- مقدمه: .....
۱۰- ۱۱	۲-۲- تعریف و تبیین توسعه سیاسی: .....

- ۳-۲- توسعه سیاسی در این تحقیق: ..... ۱۲
- ۴-۲- توسعه سیاسی در معنای مشارکت سیاسی: ..... ۱۳-۱۴
- ۵-۲- سیر تاریخی مفهوم توسعه: ..... ۱۵-۱۶
- ۶-۲- تحول مطالعات توسعه سیاسی: ..... ۱۷-۱۸
- ۷-۲- توسعه سیاسی و جهان سوم: ..... ۱۸-۲۱
- ۸-۲- نظریه های توسعه سیاسی و تقسیم بندی آنها: ..... ۲۱- ۲۲
- ۹-۲- تعاریف و نظریات توسعه سیاسی: ..... ۲۲-۳۵
- ۱۰-۲- شاخص های توسعه سیاسی: ..... ۳۵-۵۲
- منابع: ..... ۵۳-۵۶
- ۳- فصل سوم: موانع توسعه سیاسی مصر و مرور تاریخی: ..... ۵۷
- ۳-۱- بخش نخست: مرور تاریخی: ..... ۵۷
- ۳-۲- جغرافیای مصر: ..... ۵۷-۵۸
- ۳-۳- عوامل جمعیتی: ..... ۵۸-۵۹
- ۳-۴- فرهنگ مصریان: ..... ۵۹-۶۱
- ۳-۵- حکومت ها در مصر و توسعه سیاسی: ..... ۶۱-۷۲
- ۳-۲- بخش دوم: موانع توسعه سیاسی در مصر: ..... ۷۳
- ۳-۲-۱- مقدمه: ..... ۷۳
- ۳-۲-۲- نخبگان سیاسی در مصر: ..... ۷۳-۷۸
- ۳-۲-۳- ساختار سیاسی: ..... ۷۸- ۷۹

- ۳-۲-۴- نا کار آمدی های اقتصادی و جلوه های اجتماعی آن: ..... ۸۲ - ۸۰
- ۳-۲-۵- ویژگیها و عوامل عدم توسعه سیاسی در حکومت مبارک: ..... ۸۹ - ۸۲
- ۳-۲-۶- بحران مشروعیت سیاسی: ..... ۹۰ - ۸۹
- ۳-۲-۷- ارزیابی توسعه سیاسی در مصر: ..... ۹۳ - ۹۰
- ۳-۲-۸- نتیجه گیری: ..... ۹۷ - ۹۴
- منابع: ..... ۱۰۱ - ۹۸
- ۴- فصل چهارم: نقش دموکراسی خواهی و گروه های تحول طلب در تحولات مصر: ..... ۱۰۲
- ۴-۱- درخواست دموکراسی خواهی در مصر: ..... ۱۰۴-۱۰۲
- ۴-۲- نقش حکومت اقتدارگرای مصر در عدم تحقق به دموکراسی: ..... ۱۰۸-۱۰۴
- ۴-۳- طبقه متوسط جدید و نقش آن در دموکراسی خواهی در مصر: ..... ۱۱۰-۱۰۸
- ۴-۴- تاثیرات سیاسی جهانی شدن بر افزایش دموکراسی خواهی در مصر: ..... ۱۱۳-۱۱۰
- ۴-۵- ساختار قدرت و نقش حکومت در روند دموکراسی: ..... ۱۲۵-۱۱۳
- ۴-۶- شیوه برخورد حکومت مصر(در دوران مبارک) در برابر درخواست دموکراسی خواهی: ..... ۱۲۹-۱۲۵
- ۴-۷- انتخابات ۲۰۱۰ پارلمانی مصر و ناامیدی از روند دموکراسی: ..... ۱۳۵-۱۲۹
- ۴-۸- نتیجه گیری: ..... ۱۳۷-۱۳۶
- منابع: ..... ۱۴۰-۱۳۸
- ۵- فصل پنجم: تاثیر تحولات خاورمیانه و شمال آفریقا بر توسعه سیاسی در مصر: ..... ۱۴۱
- ۵-۱- تحولات خاورمیانه و شمال آفریقا: ..... ۱۴۱
- ۵-۲- ویژگی های جنبش ها و تحولات اخیر در کشورهای خاورمیانه و شمال آفریقا: ..... ۱۴۳-۱۴۱



- ۳-۵- گذار به دموکراسی در سرزمین های عربی به وسیله عمل انقلابی: ..... ۱۴۳-۱۵۳
- ۴-۵- تاثیر تحولات مصر بر افزایش مشارکت سیاسی: ..... ۱۵۳
- ۱-۴-۵- اخوان المسلمین و مشارکت در انقلاب ژانویه ۲۰۱۱: ..... ۱۵۳-۱۵۶
- ۵-۵- نقش عوامل و گروه های اجتماعی در تحولات مصر: ..... ۱۵۶
- ۱-۵-۵- جهانی شدن، تقویت جامعه مدنی، جنبش های اجتماعی و نقش آن در تحولات مصر: ..... ۱۵۶-۱۶۰
- ۲-۵-۵- جهانی شدن و نقش رسانه ها در انقلاب مصر: ..... ۱۶۰-۱۶۴
- ۳-۵-۵- نقش اینترنت و شبکه های اجتماعی در انقلاب مصر: ..... ۱۶۴-۱۶۹
- ۶-۵- شکاف نسلی و نقش جوانان در انقلاب مصر: ..... ۱۶۹-۱۷۴
- ۷-۵- نقش تقویت کننده عوامل در به ثمر رسیدن انقلاب مصر: ..... ۱۷۵
- ۱-۷-۵- نقش ائتلاف گسترده همه گروه های مخالف در ثمر رسیدن انقلاب مصر: ..... ۱۷۵-۱۷۸
- ۲-۷-۵- نقش سرایت کننده قیام مردم تونس در تقویت انقلاب مصر: ..... ۱۷۸-۱۸۱
- ۳-۷-۵- بی طرفی ارتش و نقش آن در موفقیت انقلاب مصر: ..... ۱۸۱-۱۸۴
- ۸-۵- انتخابات: همه پرسى قانون اساسى، ریاست جمهوری، پارلمانی: ..... ۱۸۴
- ۱-۸-۵- همه پرسى قانون اساسى: ..... ۱۸۴-۱۸۷
- ۵- ۲-۸- انتخابات ریاست جمهوری: ..... ۱۸۷-۱۸۹
- ۳-۸-۵- انتخابات مجلس: ..... ۱۹۰-۱۹۲
- ۹-۵- محمد مرسی یک سال پس از ریاست جمهوری: ..... ۱۹۲-۱۹۳
- ۱۰-۵- اقدامات محمد مرسی: ..... ۱۹۳-۱۹۷
- ۱۱-۵- نتیجه گیری نهایی: ..... ۱۹۸-۲۱۱

منابع: ..... ۲۱۲-۲۱۷

# ۱- فصل اول: کلیات

جهان در ماه های پایانی سال ۲۰۱۰ و ابتدای ۲۰۱۱ در خاورمیانه و شمال آفریقا شاهد دومینوی سقوط رژیم های اقتدارگرا بود، که سالیان متمادی در سرکوب خواسته های مشروع و حقوق طبیعی مردم تحت حاکمیت خود از هیچ کوششی فرو گذار نکردند. این تحولات که موسوم به بهار عربی شد در چند کشور منجر به تغییر اساسی، تحقق مطالبات مردم و افزایش مشارکت سیاسی مردم شد. این دومینو که با سرنگونی حکومت بن علی در تونس شروع شد به سرعت به اکثر کشورهای عربی هم درد کشور تونس سرایت کرد و باعث سقوط رژیم های اقتدارگرای خاورمیانه و شمال آفریقا شد.

مصر به عنوان پر جمعیت ترین کشور عربی از چند دهه گذشته جزو تاثیر گذارترین بازیگران در خاورمیانه محسوب می شود. همواره تحولات سیاسی - فکری این کشور تاثیر عمیقی بر سایر کشورهای خاورمیانه داشته است. این کشور طی سی سال گذشته تحت حاکمیت دولت اقتدارگرای حسنی مبارک بوده است. در عرصه داخلی رژیم حسنی مبارک ضمن سرکوب مخالفین تلاش کرده بود تا از هر گونه تغییر در ساختار قدرت ممانعت به عمل آورد. دولت مبارک از سوی دو نیروی چالشگر داخلی یعنی اسلامگرایان و به خصوص اخوان المسلمین و نیروهای اپوزیسیون سکولار و فشار خارجی از طرف دولت هایی چون امریکا بر ای انجام اصلاحات سیاسی و لزوم تمکین به خواست های اصلاح طلبانه تحت فشار بود. تظاهرات اعتراض آمیز گسترده مردم مصر که از ۲۵ ژانویه ۲۰۱۱ آغاز و روز به روز بر شدت آن افزوده شد، تحت تأثیر چند عامل آغاز گردید. آنچه در مصر جریان پیدا کرده، ناشی از مجموعه ای از تناقضات و مسائلی بوده است که در طول سالیان دراز در نظام حاکم وجود داشته و تشدید می گردید. با شروع اعتراضات در مصر که تحت تاثیر اتفاقات کشور همسایه، تونس، آغاز و با پیوستن گروه های مختلف به معترضان گسترده گردید، مبارک در وهله نخست وعده انجام اصلاحات سیاسی و اقتصادی و لزوم پاسخگویی به خواسته های مردمی را مطرح کرد. با عدم موافقت مخالفان با اصلاحات اعلام شده و ادامه حضور در میدان التحریر، به عنوان نماد اعتراضات، دولت کوشید با قطع گهگاه تلفن های همراه و شبکه اینترنت اختلالی در ارتباط میان مخالفان ایجاد کند. در نهایت تلاش مبارک برای جلوگیری از رشد جمعیت معترض، سرکوب، و جلوگیری از پیوستن سایر مردم به جنبش ناموفق ماند و وعده های او برای رفع فقر و بیکاری و پیشبرد اصلاحات در کشور مورد توجه مخالفان قرار نگرفت. در این میان، سربازان نیز از تیراندازی به معترضان خودداری کردند، و ارتش اعلام بی طرفی کرد و چند روز بعد، نیروهای نظامی با صدور بیانیه ای اعلام نمودند که حاکمان نمی توانند از نیروهای ارتش برای در هم شکستن جنبش استفاده کنند. در مقابل شدت

گرفتن اعتراضات، مبارک دوباره درصدد به دست گرفتن قدرت کاهش یافته خود از طریق وعده ها و اقدامات بیشتر، مانند تعویض اعضای کابینه، انتقال بعضی از مسولیت های خود به معاون رئیس جمهور، و افزایش ۱۵ درصدی حقوق و مستمری بازنشستگان، بر آمد. اما تمامی این اقدامات برای فرونشاندن قیام کافی نبود، و معترضان همچنان خواستار ترک مبارک از صحنه قدرت بودند. هنگامی که مبارک از این اقدام خودداری نمود، مردم با برپایی یک اعتصاب کارگری در ۱۱ فوریه به همراه چند صد هزار معترض که از بازگشت به سر کارهای خود خودداری نمودند و نظامیانی که از بیرون کردن آنها از میدان کنارکشیدند، نشان دادند که اقدامات و گفته‌های مبارک نه تنها خشم آنها را فروکش نکرده، بلکه مخالفان اعلام کردند که تا کناره گیری مبارک از قدرت همچنان به تظاهرات خود ادامه می دهند. و در نهایت به استعفای حسنی مبارک در روز ۲۵ ژانویه ۲۰۱۱ قیام مردمی به سرانجام انجامید. در ادامه با تشکیل دولت موقت و سپس برگزاری انتخابات ریاست جمهوری در مصر و پیروزی محمد مرسی او به عنوان رئیس جمهور انتخاب شد، مرسی در طول یک سال ریاست جمهوری خود مرتکب اشتباهاتی شد و با تغییر قانون اساسی، و وضع اختیارات نامحدود و حق قانون گذاری برای خود باعث انحراف در روند دموکراتیک و نارضایتی و خشم مردم شد در نتیجه تظاهرات خیابانی با شرکت مردم و گروه های مخالف توسط جنبش تمرد بر ضد او شکل گرفت و در اوایل ماه جولای ۲۰۱۳ با تظاهرات گسترده مخالفین و پشتیبانی ارتش از سمت خود عزل شد، در ادامه این حرکت باعث اعتراض حامیان مرسی و ضد و خورد بین مخالفان و حامیان شد. در حال حاضر قانون اساسی تعلیق، دولت موقت تشکیل شده و رئیس جمهور موقت تعیین شده است تا در صورتی که تظاهرات و تنس ها و درگیرهای میان حامیان و مخالفان مرسی بر اثر عزل مرسی ، رو به بهبود و آرامش گذارد ،زمینه برای برگزاری انتخابات فراهم شود. در نتیجه در پی تحولات مصر، شاهد مشارکت احزاب ، جنبش ها ، گروه های مختلف مردم در انتخابات ، رویدادهای و تحولات مهم این کشور، بعد از سقوط نظام های دیکتاتوری و فاسد سابق حاکم بر این کشور هستیم.

#### ۱-۲- سوال تحقیق

تحولات اخیر چه تاثیری بر توسعه سیاسی در مصر داشته است؟

#### ۱-۳- فرضیه اصلی

تحولات اخیر خاورمیانه و شمال آفریقا باعث افزایش مشارکت سیاسی در مصر شده است.

#### ۱-۴- فرضیه رقیب

تحولات اخیر خاورمیانه و شمال آفریقا باعث ادامه روند اقتدارگرایی، انحراف از مسیر دموکراسی شده است.

## ۱-۵- تعریف مفاهیم

تحولات سیاسی:

ناشی از عواملی است که می توان آنها را به چهار دسته انقلاب، اصلاحات، انتخابات و کودتا تقسیم کرد. تحولات با تحقق نیروی تحول خواه رخ داده و بنا به خاستگاه، شدت و شیوه اعمال تغییرات طبقه بندی می شود.

### تحولات خاورمیانه و شمال آفریقا:

جهان در ماه های پایانی سال ۲۰۱۰ و ابتدای ۲۰۱۱ در خاورمیانه و شمال آفریقا شاهد دومینوی سقوط رژیم های اقتدارگرا بود، که سالیان متمادی در سرکوب خواسته های مشروع و حقوق طبیعی مردم تحت حاکمیت خود از هیچ کوششی فرو گذار نکردند. این دومینو که با سرنگونی حکومت بن علی در تونس شروع شد به سرعت به اکثر کشورهای عربی هم درد کشور تونس سرایت کرد و باعث سقوط رژیم های اقتدارگرای خاورمیانه و شمال آفریقا شد.

توسعه سیاسی:

ارتقاء ظرفیت و کارایی یک نظام سیاسی در حل و فصل تضادها، منافع فردی و جمعی، ترکیب مردمی بودن و تغییرات اساسی در یک جامعه را گویند.

مشارکت سیاسی:

مشارکت سیاسی به عنوان یکی از شاخص های توسعه سیاسی، را می توان به صورت افزایش تقاضا برای سهم شدن در قدرت و تصمیم گیری های سیاسی توسط مردم تعریف کرد. هدف از مشارکت نیز فعال نمودن گروه ها و افرادی است که بی تفاوت بوده اند. مک کلو سکی در تعریف مشارکت سیاسی آن را از آن دسته فعالیت های داوطلبانه می داند که به وسیله افراد یک جامعه در انتخاب حاکمان سهمین شوند و مستقیماً در شکل گیری سیاست ملی نقش ایفا کنند. و همچنین مشارکت سیاسی، تلاش های سازمان یافته مردم برای انتخاب رهبران و تاثیرگذاری بر سیاست و دولت و هدایت آن از طریق افکار عمومی است. در تعریف دیگر، مشارکت سیاسی عبارت

از: شرکت داوطلبانه و غیر تحریک شده مردم با هدف تاثیرگذاری بر جریان تعیین سیاست های کشور و انتخاب رهبران سیاسی.

#### ۱-۶- ادبیات موجود

به مرور زمان از وقوع انقلاب، بسیاری از صاحب نظران و اندیشمندان به بیان نظر خود در مورد این تحولات پرداخته و نوشته هایی که در مورد این وقایع در مصر به رشته تحریر در آمد، از مقاله های سیاسی و ستون نویسی های ژورنالیستی در مجلات و روزنامه ها تا مقاله ها تخصصی در مجلات معتبر علوم سیاسی و روابط بین الملل گسترش یافت. در مورد نقش سران حکومت و ساختار های سیاسی در مصر می توان از مقاله «دیوان سالاری و توسعه در مصر امروز» نوشته نذیه ایوبی و ترجمه مجید محمدی در مجله تحول اداری اشاره نمود که در آن به حجم گسترده دستگاه حکومتی و ناکارآمدی آن در عرصه اقتصادی و پیشبرد توسعه باگذشت چهار دهه از شروع فرآیند خصوصی سازی و اثرات آن در جامعه و مردم مصر می پردازد. از دیگر نوشته ها در این مورد می توان از مقاله فواد عبدالله پژوهشگر مصری با ترجمه ماجد نجار در مجله خاورمیانه نام برد که در آن نویسنده به بررسی احزاب مصری در عرصه سیاسی مصر پرداخته و با اشاره به محدودیت های اعمال شده توسط حکومت و دستگاه های اطلاعاتی مصر و سیستم انتخابات به عنوان موانع ایجاد یک نظام سالم سیاسی اشاره می کند.

در مورد نقش عوامل سیاسی در تحولات اخیر مصر می توان از مقاله مهدی بیگی با عنوان «انقلاب مصر و چشم انداز آینده آن» نام برد که در آن اقتصاد رانتیر، مشی سکولار حاکمان برخلاف خواسته اکثریت مردم اسلام خواه آن، انتخابات فرمایشی و عدم مشارکت واقعی مردم در عرصه تصمیم گیری شکاف در نخبگان حاکم در ارتباط با نحوه برخورد با اپوزیسیون، کاهش جدی طرفداران رژیم به دلایل گوناگون، بحران شدید اقتصادی و تشدید بحران کارآمدی و مشروعیت رژیم به تبع آن، و وقوع انقلاب در کشورهای همسایه در شرایط مشابه با این کشور را به عنوان علل انقلاب برشمرده است. سید سعید هاشمی نسب در مقاله به عنوان «گزارشی از روند تحولات در مصر» به عدم پاسخگویی به درخواست مخالفان برای اصلاحات در ساختار سیاسی، به ستوه آمدن توده های مردمی از فقر و فساد، اشاره نموده و مخالفت احزاب و گروه های ملی، مذهبی و شخصیت های صاحب نام مصری و مجامع دانشگاهی و به خصوص جوانان مصری را از بیکاری و استبداد و کنترل آزادی های فردی و اجتماعی را به عنوان زمینه های بسیج و سقوط مبارک بیان نموده است. همانطور که دیده می شود کارهایی که وقوع انقلاب را از دیدگاه سیاسی بررسی کرده اند به نقش بسیار مهمی که ارتش مصر با سکوت خود در ابتدا و

سپس تایید خواسته های بحق مردم داشته اشاره نشده است و همچنین به ائتلاف گسترده تمام نیروهای مخالف مصر، که در تاریخ معاصر مصر نایاب بوده، اشاره نشده است .

در زمینه و تاثیر تجدد و نوگرایی در مصر باید از پایان نامه محمد مالکی، دانشجوی کارشناسی ارشد علوم سیاسی دانشگاه شهید بهشتی در سال ۱۳۸۵ اشاره کرد، که در کار خود به بررسی اثرات مدرنیسم بر شکل گیری رادیکالیسم اسلامی، به مطالعه موردی اسلام گرایی کشور مصر و تاثیرات تجدد گرایی در احیاء و خیزش آن پرداخته است. از جمله مواردی که به تحولات مصر از دیدگاه اجتماعی و تحولات جهانی به مصر پرداخته اند باید از مقاله احمد موثقی با عنوان «تاثیر بحران اجتماعی و جهانی شدن بر ظهور بنیادگرایی اسلامی» اشاره نمود که در آن بحران ها و شکاف های متعدد موجود در جامعه مصر را به عنوان متغیر اصلی در گرایش به سمت دیدگاه های سلفی از مذهب و اسلام در نظر می گیرد. در مورد کارهایی که وقوع این خیزش را از دیدگاه اجتماعی بررسی کرده اند اشاره ای به نقش جریانات تحول خواه و جنبش های جدید اجتماعی، بخصوص جنبش الکفایه و جوانان ۶ آوریل که نقش اصلی در به صحنه آوردن سایر نیروها داشته اند و تاثیر انقلاب تونس با توجه به شرایط عمومی نزدیک به مصر اشاره نشده است .

در مقاله «آغاز بیداری اسلامی در مصر» علی طاهایی، فقر و حاشیه نشینی گسترده بخصوص در قاهره و عدم توزیع نا عادلانه درآمدها، روند وابستگی رژیم به مصر و امریکا که باعث روی گردانی مردم از حکومت گشته است و تنگ تر شدن فضای سیاسی و عدم حضور مخالفان در انتخابات ۲۰۱۰ را از عوامل اصلی خیزش مردم بیان کرده است. همچنین، شیوا اسدی در مقاله «ریشه های اقتصادی قیام مصر» به فقر گسترده و نرخ بالای بیکاری به همراه افزایش روز افزون نرخ تورم و بالارفتن قیمت مواد مصرفی در کنار مسائل سیاسی چون استبداد ذاتی رژیم مبارک و فقدان دموکراسی در مصر را به عنوان دلایل اصلی انقلاب مصر بر شمرده است. غلامرضا صراف یزدی نیز در مقاله ای با عنوان «سقوط مبارک و تاثیر آن بر روابط مصر و اسرائیل» جمعیت زیاد و نبود زیر ساخت های مناسب جهت استفاده از جمعیت جوان، کمبود منابع طبیعی، عدم صنعتی بودن و بحران ها و محدودیت های متناوب در عرصه داخلی و عدم پاسخگویی مناسب و صحیح از سوی حکومت مبارک را به عنوان ریشه های روی دادن بحران که در نهایت زمینه سقوط مبارک را فراهم آورد، اشاره می کند.

پرویز دلیرپور، در مقاله ای با عنوان «دور نمای اسلام سیاسی در مصر» به نقش گروه های اسلام گرا و به خصوص اخوان المسلمین به عنوان برجسته ترین گروه اسلام گرا و چهره غالب در تظاهرات و قیام که منجر به سرنگونی رژیم مبارک گشته است اشاره می کند. در مورد نوشته هایی که از منظر دینی و اسلام گرایی به قیام



پرداخته اند عدم اشاره به نقش گروه های سلفی و جهادی خود نمایی می کند. در انتها باید به این نکته اشاره شود که هیچ یک از کارهای اشاره شده به نقش در هم تنیده جنبه های سیاسی، اجتماعی و اقتصادی در این قیام و تاثیر هم افزاینده آنها در وقوع انقلاب و افزایش مشارکت سیاسی در پی تحولات مصر اشاره نکرده است، در این اثر تلاش خواهد شد به زمینه ها و علل توضیح این انقلاب و همچنین رشد مولفه های دموکراسی و افزایش مشارکت سیاسی همزمان با وقوع تحولات مصر پرداخته شود.

#### ۱-۷- روش تحقیق و گردآوری

روش تحقیق نگارنده در این پایان نامه روش کتابخانه ای یا مطالعه ای است. محقق، تحقیق خود را از راه مطالعه ماخذ و منابع مرتبط با موضوع پایان نامه انجام می دهد. روش گردآوری اطلاعات در این تحقیق بیشتر از طریق کتب، مقالات علمی معتبر و سایت خبری مرتبط با موضوع می باشد. در این نوشتار سعی خواهد شد با استفاده از روش های متداول در علوم انسانی یعنی روش تحقیق توصیفی-تاریخی و تحلیلی به بررسی روند توسعه سیاسی در مصر پس از تحولات اخیر پرداخته شود و حتی المقدور تصویری روشن از وضعیت توسعه سیاسی آن کشور به تصویر کشیده شود.

#### ۱-۸- حدود پژوهش

این پژوهش تمرکز خود را به فاصله زمانی وقوع انقلاب در سال ۲۰۱۱ قرار داده و با توجه به وجود زمینه های ایجاد آن در حکومت انورالسادات و رژیم مبارک، نگاهی گذرا به آن دوران نیز خواهد داشت و به نقش گروه های عمده و مشارکت سیاسی جنبش ها و مردم در این تحولات خواهد پرداخت.

#### ۱-۹- اهمیت تحقیق

مصر از دیرباز یکی از مهمترین مراکز فکری و فرهنگی جهان عرب به شمار می رود. و خواستگاه ایدئولوژی ها و حکومت های مردمی مهمی در خاورمیانه بوده است. مصر با بیش از ۸۰ میلیون جمعیت که ۹۰ درصد آن مسلمان می باشند از کشورهای مهم جهان اسلام و منطقه خاورمیانه و شمال آفریقا محسوب می شود. تحولات مصر به لحاظ منطقه ای تاثیرات بسیار عمیقی دارد و این تاثیرگذاری عمیق به جایگاه مصر در جهان اسلام و جهان عرب بر می گردد. بررسی تحولات مصر از این لحاظ اهمیت دارد که این کشور نقطه ثقل مهم تاریخی و فرهنگی جهان عرب است. دیرینه تاریخی، شکل گیری بسیاری از اندیشه های اصلاح طلبانه جهان عرب از این کشور و همچنین آثار و پیامدهای سیاسی مسائل مصر بر جهان عرب، فهم تحولات سیاسی مصر را مهم جلوه

می دهد. مصر همچنین تاثیر قابل توجهی بر تحولات داخلی کشورهای عربی و دگرگونی های منطقه ای دارد، لذا رصد کردن تحولات مصر از این منظر بسیار مهم می باشد.

#### ۱-۱۰- محدودیت تحقیق

با توجه به سقوط مبارک در سال ۲۰۱۱ کتب محدودی به بررسی تحولات سیاسی مصر در این دوره و توسعه سیاسی مصر پرداخته اند. با توجه به نزدیکی تحولات مصر در سال ۲۰۱۱ با انتخاب موضوع این پایان نامه احتمال می رود برای جمع آوری اطلاعات جهت نگارش این تحقیق با محدودیت هایی مواجه شویم. البته کمی منابع موجود در این زمینه از جمله منابع فارسی اصلی ترین مشکلی است که نگارنده با آن روبرو می باشد و طبعاً بر محتوای تحقیق تاثیر می گذارد.

#### ۱-۱۱- اهداف تحقیق

این موضوع از این جهت که در تلاش برای پی بردن به ریشه های این قیام با توجه به نفوذ و نقش گسترده مصر در صحنه خاورمیانه، شناخت و آشنایی با گرایش های فعال و تاثیر گذار در این خیزش و همچنین رشد مشارکت سیاسی در پی این تحولات می باشد، دارای اهمیت بسیاری است.

#### ۱-۱۲- سازمان دهی تحقیق

این پایان نامه در چهار فصل به ترتیب زیر سازماندهی شده است:

در فصل اول کلیات نظری (طرح مسأله، فرضیه، ادبیات پژوهش، اهداف پژوهش و.... تشریح می شود

و فصل دوم چارچوب نظری پژوهش بررسی می شود.

در فصل سوم به تاریخچه کوتاهی از مصر، توسعه سیاسی در ادوار مختلف، به مرور تاریخی و موانع توسعه سیاسی در مصر می پردازیم .

در فصل چهارم به نقش دموکراسی خواهی و گروه های تحول طلب در انقلاب مصر می پردازد.

در فصل پنجم به تحولات مصر یک ساله گذشته مصر و تاثیر این تحولات بر رشد مشارکت سیاسی در مصر می پردازد.

## ۲- فصل دوم چهارچوب نظری